

آرزو ثروت نمی آورد

سرشناسه	: هیل، ناپلئون، ۱۸۸۳ - ۱۹۷۰ م. Hill, Napoleon.
عنوان و نام پدیدآور	: آرزو ثروت نمی آورد / نوشته ناپلئون هیل؛ مترجم متین محمدی.
مشخصات نشر	: تهران : آماره، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۳۵۶ ص.
شابک	: 978-622-7326-19-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: wishes wont bring riches .
موضوع	: خودسازی -- (Psychology -- Self-help)
موضوع	: انگیزش -- (Psychology -- Motivation)
موضوع	: SELF-HELP -- Motivational.
شناسه افزوده	: محمدی، متین، ۱۳۷۷-، مترجم
شناسه افزوده	: گرین، دان -- Green, Don
شناسه افزوده	: بنیاد ناپلئون هیل -- Napoleon Hill Foundation
رده بندی کنگره	: BF۶۳۷
رده بندی دیویی	: ۱/۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۵۰۴۷۲۱

آرزو ثروت نمی آورد

نویسنده: ناپلئون هیل

مترجم: متین محمدی



© Nashr-e-Amareh, MMXXI



نشرآماره

عنوان کتاب: آرزو؛ ثروت نمی آورد	Title: WISHES WON'T BRING RICHES
تألیف: ناپلئون هیل	Author: Napoleon Hill
مترجم: متین محمدی	Translator: Matin Mohammadi
شابک: ۲-۱۹-۷۳۲۶-۶۲۲-۹۷۸	ISBN: 978-622-7326-19-2
نوبت چاپ: اول تاریخ چاپ: بهمن ۱۳۹۹	The 1 th Edition Published: 2021
ویراستار: پرستو مهدوی حسینی	Editor: Parastoo M. Hosseini
تیراژ: ۴۰۰ نسخه	Circulation: 400 impression
هرگونه کپی برداری، اسکن و میکروفیلم، جزئی یا کلی بدون اجازه مکتوب نشرآماره ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد	No portion of this book may be reproduced, by any process or technique, without the express written consent of the publisher (Amareh Press)
محتوای اصلی کتاب بازتاب اندیشه‌های پدیدآورنده می‌باشد و مسئولیت درستی آن به عهده‌ی ایشان می‌باشد	The views expressed in this book represent those of the individual Authors and Editors. These views do not necessarily reflect endorsement by the Publisher (Amareh Press)
© تمامی حقوق چاپ و نشر برای نشرآماره محفوظ است	© ALL RIGHTS RESERVED: for the Amareh Press

دفتر نشر و پخش آماره: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان دوازده فروردین، پلاک ۳۱۶، واحد ۴
تلفن ۰۹۳۶۸۷۶۴۳۹۱ و ۰۲۱-۶۶۹۵۱۳۲۳

برای آگاهی از مراکز فروش و سایر اطلاعات به وب‌سایت نشرآماره مراجعه کنید:

www.nashreamareh.ir

فهرست مطالب

۷	مقدمه‌ی مترجم
۹	پیشگفتار
۱۵	مقدمه‌ی فصل ۱
۱۹	فصل ۱: ایمان کاربردی
۶۹	تحلیل فصل ۱
۱۴۱	فصل ۲: اشتیاق
۲۰۵	تحلیل فصل ۲
۲۵۵	فصل ۳: تلاش سازمان یافته فردی
۳۱۹	تحلیل فصل ۳

مقدمه‌ی مترجم

همواره پیرامون افراد مشهور و موفق، تصورات گوناگونی وجود دارد. عده‌ای، از افراد مشهور موردعلاقه‌شان قدیس ساخته و عده‌ای دیگر سعی در تخریب وجهه این افراد داشته‌اند. ناپلئون هیل نیز در قامت نویسنده‌ی کتاب پیش روی شما مخاطب گرمی، از این قاعده مستثنی نیست. موفقیت هم مثل هر مقوله‌ی دیگری اصول و قاعده‌ی خاص خودش را دارد و برای نائل آمدن به مدارج عالی‌ه‌ی موفقیت ابتدا می‌بایست فلسفه‌ی موفقیت را بشناسیم و اصول آن را در بندبند زندگی‌مان به کار بندیم. در کتاب حاضر، فلسفه‌ی موفقیت و اصول آن به تفصیل شرح داده شده است. امیدوارم که در شناساندن فلسفه‌ی موفقیت و تبیین اصول آن موفق عمل کرده باشم.

ثروت‌اندوزی و کسب موفقیت را می‌توان در زمره‌ی تمایلات و خواسته‌های مهم انسان تلقی کرد. در دنیای امروز که مرزها مفهوم سابق را ندارند و بشر در دهکده‌ی جهانی زندگی می‌کند، بدیهی است که زندگی ملّون و پرزرق‌وبرق صاحبان ثروت و شهرت همواره در کانون توجه دیگران قرار می‌گیرد و چه بسا افرادی که رؤیای ثروت‌اندوزی را در سر می‌پرورانند و توقع دارند ثروتی بادآورده به چنگ آورند و ره صدساله را یک شبه طی کنند.

آرزو ثروت نمی‌آورد

در این کتاب، شما اصول علمی و دقیق خلق ثروت و همچنین نائل آمدن به مدارج عالی‌ه‌ی موفقیت را فرا خواهید گرفت و پس از مطالعه این کتاب ناگزیر به پذیرش این امر خواهید شد که آرزو، ثروت نمی‌آورد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از خانواده‌ام و همسر عزیزم بابت محبت‌های بی‌دریغشان تشکر کنم. همچنین از سرکار خانم پرستو مهدوی حسینی که امر ویراستاری این کتاب را بر عهده داشتند، مراتب سپاسگزاری‌ام را اعلام می‌دارم.

جا دارد از مدیریت فرهیخته و محترم انتشارات آماره، جناب آقای فرهاد نوع‌پرست، که رهنمودهای ایشان باعث ارتقای کتاب شده است سپاسگزاری نمایم. همچنین از واحد صفحه‌آرایی انتشارات آماره که در هرچه بهتر شدن این کتاب از هیچ کوششی دریغ نورزیدند نهایت تشکر و امتنان را دارم.

تقدیم به جویندگان راه موفقیت

متین محمدی

پیشگفتار

ناپلئون هیل^۱ در حالی در سال ۱۹۴۱، هفده کتابچه‌اش را به رشته‌ی تحریر درآورد، که همگی توضیح‌دهنده‌ی اصولی از موفقیت بودند که او این اصول را از مصاحبه‌اش در سال ۱۹۰۸ با اندرو کارنگی^۲ فراگرفته بود. در آن زمان، ناپلئون خبرنگار جوانی بود که وظیفه‌ی مصاحبه با آقای کارنگی را بر عهده داشت، و آقای کارنگی به حدی تحت تأثیر او قرار گرفت که به او بر نوشتن فلسفه موفقیت فردی، کمک بسیاری کرد. ناپلئون ۲۰ سال بعدی زندگی‌اش را صرف ملاقات با افراد موفق کرد و آنچه را که در این مدت از این افراد فراگرفته بود، در قالب کتابی تحت عنوان **قانون موفقیت**، به چاپ رساند. در سال ۱۹۳۷، نسخه‌ی خلاصه‌شده‌ای از این کتاب را تحت عنوان **بیندیشید و ثروتمند شوید** منتشر کرد. کتابچه‌هایی که در سال ۱۹۴۱ منتشر شدند، از سوی اندرو کارنگی، **دینامیت ذهنی** لقب گرفتند، چراکه هرکدام دربرگیرنده‌ی اصول موفقیت بودند. هر کتابچه شامل گزیده‌ای مفصل از مصاحبه‌ی ناپلئون با آقای کارنگی و تحلیل دقیق این اصول از جانب ناپلئون بود. در طی ماه‌های انتشار این کتابچه‌ها، ایالات متحده‌ی آمریکا وارد جنگ جهانی دوم شده بود و طبیعی بود که یک کشور گرفتار جنگ نوشته‌هایش را نادیده بگیرد. هم‌اکنون بنیاد ناپلئون هیل در حال تلاش برای جمع‌آوری و بازیابی این نوشته‌هاست و به دنبال این است که آن‌ها را برای نسل جدیدی از طرفداران کتاب‌های خودیاری و موفقیت به چاپ برساند.

1. Napoleon Hill

2. Andrew Carnegie

در این کتاب، بنیاد ۳ تا از کتابچه‌های دکتر هیل را گردآوری کرده است، که این کتابچه‌ها چگونگی تحقق اهداف با تکیه بر اعمال و داشتن برنامه‌ای منظم را توضیح می‌دهند. فصل‌های این کتاب به خوبی درباره‌ی اهمیت تفکر در مسیر موفقیت، توضیحاتی ارائه می‌دهند. همان‌طور که ناپلئون هیل در فصل ۳ می‌گوید: برای کارتان برنامه داشته باشید و براساس آن برنامه عمل کنید.

این کتاب هم‌چنین درباره‌ی اتخاذ تصمیم و چگونگی مرتبط کردن آن برای تحقق هدف، توصیه‌هایی ارائه می‌دهد.

در فصل ۱ موسوم به ایمان کاربردی، ناپلئون بخش اعظمی از مطالب این فصل را به سرفصل‌های مصاحبه‌اش با اندرو کارنگی اختصاص می‌دهد. آقای کارنگی به ناپلئون جوان می‌گوید که برای انجام موفقیت‌آمیز مأموریت ۲۰ ساله‌اش که آماده کردن فلسفه‌ی موفقیت است، به ایمان کاربردی نیاز دارد. وی هم‌چنین تفاوت میان ایمان کورکورانه و ایمان منفعل و ایمان فعال را به تفصیل شرح می‌دهد. آقای کارنگی، ظرفیت‌های ذهن را در قالب الگویی نمادین، به ما می‌شناساند و به ناپلئون توضیح می‌دهد که تا زمانی که ذهن را از ترس و محدودیت‌های خودساخته پاک نکنیم و ایمان فعال را جایگزین آن نسازیم، نمی‌توانیم از این ظرفیت‌ها بهره‌ای ببریم. عمل، ممارست و پشتکار برای پرورش چنین ایمانی، موردنیاز هستند و زمانی که این ایمان پرورش پیدا کرد به خرد نامتناهی اجازه می‌دهد که اختیار برنامه‌ها و نقشه‌های فرد را بر عهده بگیرد و او را در اجرای این برنامه‌ها یاری کند.

بعد از جمع‌بندی صحبت‌های میان هیل و کارنگی، دکتر هیل داستان‌هایی از زندگی شخصی‌اش روایت می‌کند که نشان می‌دهند او چگونه از ایمان فعال برای رسیدن به موفقیت استفاده کرده است. اولین داستان، مربوط به زمانی است که در دوران رکود اقتصادی، بانک‌ها در

ورشکستگی کامل به سر می‌بردند و به همین دلیل او همه‌ی ثروتش را از دست داده بود، اما او به این فهم رسید که عملکرد خرد نامتناهی و طبیعت به مراتب از پول و ثروت با اهمیت‌ترند و این کشف در او ایمان کاربردی‌ای را که نیاز داشت، به وجود آورد. داستان دوم مربوط به پسرش بلراست که ناشنوا متولد شد و هیچ نشانه‌ای از گوش خارجی نداشت اما به لطف ایمان کاربردی ناپلئون، پسرش توانست توانایی شنیدن را بدون کمک هرگونه ابزار فیزیکی کمک شنوایی مانند سمعک و... به دست آورد.

در ادامه، دکتر هیل براهمیت نفس در کسب موفقیت تأکید می‌کند و چگونگی کنترل آن را نیز بیان می‌کند. همان‌طور که آقای کارنگی هم گفتند: ترس و شک باید جای خودشان را به ایمان بدهند تا بدین وسیله بتوان به اهداف مطلوب دست پیدا کرد. دکتر هیل سپس از افرادی مثال می‌زند که نفس آن‌ها توسط همسرانشان کنترل می‌شد، و در همه‌ی موارد این کنترل برای موفقیتشان ضروری بود. دکتر هیل با بیان این‌که: «نفس قدرتمندترین قانون طبیعت است» اهمیت ایمان کاربردی را جمع‌بندی می‌کند، زیرا فرد به کمک این دو می‌تواند به تمایلات خود جامه‌ی عمل بپوشاند.

فصل ۲ «اشتیاق»، نیز با گزیده‌ای از مصاحبه‌ی ناپلئون با آقای کارنگی در سال ۱۹۰۸ آغاز می‌شود. آقای کارنگی می‌گویند: وجود اشتیاق برای زدودن ذهن از افکار منفی و جایگزینی آن با ایمان امری ضروری است. اشتیاق تجلی امید است که برای پرورش ایمان لازم بوده و امید و ایمان و اشتیاق همگی از ملزومات رسیدن به موفقیت به شمار می‌آیند. در ادامه آقای کارنگی عوامل برهم‌زننده و مخل پرورش و حفظ اشتیاق مانند عدم تندرستی و مصرف مشروبات الکلی یا مواد مخدر را به تفصیل مورد بررسی قرار می‌دهد. او هم‌چنین توضیح می‌دهد که چگونه قد کشیدن ناپلئون جوان در دل فقر، حاوی بذره‌ای مفید همچون اشتیاق بود که نامادری

ناپلئون در ذهن او القا کرد و او را به خبرنگار شدن ترغیب کرد. آقای کارنگی درباره‌ی مسری و قابل انتقال بودن اشتیاق یا کمبود آن نیز بحث می‌کنند و توضیح می‌دهند که چگونه اشتیاق می‌تواند در سطح یک کسب‌وکار، یک مؤسسه یا خانواده گسترش یابد و نفوذ کند. اشتیاق معادلی برای نگرش ذهنی مثبت است که باید به واسطه‌ی تأدیب نفس کنترل شود و الاً به گمراهی کشیده می‌شود. همه‌ی اتاق فکرها باید در درون خود از اعضایی مشتاق و علاقه‌مند برخوردار باشند و اگر هم در جمع آن‌ها فردی حضور دارد که از عنصر اشتیاق بهره‌ای نمی‌برد، باید بتواند به حفظ تعادل و کنترل اشتیاق در دیگر اعضا کمک کند.

در تحلیل نهایی می‌توان گفت که اشتیاق دقیقاً شبیه ایمان کاربردی برای فراتر رفتن از سطح تفکر و اقدام به عمل در راستای حصول هدف نهایی، امری ضروری است.

دکتر هیل، با پیروی از آنچه از مصاحبه‌اش با آقای کارنگی آموخته بود، توضیحات زیر را ارائه می‌دهد:

اشتیاق، ایمان کاربردی و بُعد عملی اندیشه است که می‌تواند نگرش منفی را به نگرش مثبت تبدیل کند. او توضیح می‌دهد که چگونه یک ذهن متعادل و هماهنگ موجبات پرورش اشتیاق را فراهم می‌آورد. او بسیاری از دستاوردهای مثبت اشتیاق را فهرست‌وار بیان می‌کند و در صدر این فهرست، قدرت اصلی اشتیاق یعنی تبدیل افکار منفی به مثبت را، جای می‌دهد.

دکتر هیل بر اهمیت داشتن کلامی نافذ تأکید می‌کند، چراکه گفتار راهی اساسی برای بروز اشتیاق است. او سپس مصاحبه‌ای طولانی با مخترع بزرگ توماس ادیسون ترتیب می‌دهد و در این مصاحبه، به خوبی اشتیاق ادیسون را برای اختراع ماشین سخنگو و لامپ الکتریکی به تصویر می‌کشد. دکتر هیل همچنین فهرست مفیدی از اقداماتی که فرد باید برای

پرورش اشتیاق انجام دهد، تدوین می‌کند. او سپس این فصل از کتاب را با نگاهی خوش بینانه به آینده آمریکا و جهان به پایان می‌رساند، که بر اساس باور او پیروزی از آن اشتیاق خواهد بود.

سومین فصل از این کتاب اختصاص به اصلی دارد که دکتر هیل آن را تلاش سازمان یافته‌ی فردی نام‌گذاری کرده‌اند. این فصل نیز با مصاحبه‌ای با آقای کارنگی آغاز می‌شود. آقای کارنگی ۳۱ ویژگی ضروری رهبری را برمی‌شمارند و بر وجوب اقدام سریع در مقایسه با مسامحه تأکید می‌کنند. تلاش سازمان یافته فردی نیازمند مؤلفه‌هایی مانند هدف، برنامه، کار مداوم و پشتکار است. داشتن میلی وافر برای موفقیت، مهم‌تر از تحصیلات و آموزش است. برای موفقیت نباید حتماً یک نابغه باشید. آقای کارنگی مصاحبه‌اش با ناپلئون را این‌طور جمع‌بندی می‌کند: شما و همه‌ی مردم دنیا این شانس را دارید که به واسطه‌ی درک معنوی‌تان از فلسفه‌ی موفقیت فردی، ثروت مادی بسیاری به دست آورید. ثروت مادی به‌تنهایی می‌تواند، مخرب شخصیت باشد و برای جلوگیری از این کار باید با روشنگری و رشد معنوی همراه شود. دکتر هیل مصاحبه‌اش را با آقای کارنگی درباره‌ی تحلیل تلاش سازمان یافته فردی ادامه می‌دهد. به گفته‌ی ایشان، تنها دو درصد مردم موفق می‌شوند و باقی افراد که شکست را تجربه می‌کنند، احتمالاً از مخالفان و معاندین با این اصل هستند. او فهرستی از اسامی افراد موفق ارائه می‌دهد که این اصل را در زندگی خود به کار بستند و به مدارج موفقیت دست پیدا کردند. او در ادامه داستان دو شخص را روایت می‌کند که از این اصل در زندگی‌شان استفاده کردند. یکی از آن‌ها دارای تحصیلات عالی بود و دیگری کاملاً بی‌سواد بود، اما هر دو آن‌ها از قدرتی که در اختیار داشتند، نهایت بهره را بردند. دکتر هیل سپس بر اهمیت استفاده از نقاط قوت و قدرت در انسان تأکید می‌کند و اعتقاد دارد باید از این قدرت در جهت تحقق اهداف کمک گرفت. سه اصل ارائه شده در این

آرزو ثروت نمی‌آورد

کتاب، چگونگی عملی کردن برنامه‌هایتان را به شما می‌آموزند. تفکر، امیدواری و رؤیایپردازی کافی نیستند، برای رسیدن به اهدافتان باید وارد عمل شوید چراکه همان‌طور که ناپلئون هیل می‌گوید: آرزو، ثروت نمی‌آورد.

دان ام‌گرین

مدیر اجرایی بنیاد ناپلئون هیل